

گره زدن معضله کشمیر با " پروژه صلح افغانستان

بازیهای نو از زرادخانه سوپر شیطانی پاکستان
وجه المصالح ساختن " پروژه صلح " افغانستان
گشایش صفحات خونین دیگر در تراژیدی خونبار افغانان



میر عبد الواحد سادات

یکی از ابعاد بسیار پیچیده جنگ افغانستان و تداوم آن درین بیشتر از چهار دهه ، جنگهای نیابتی میان قدرتهای رقیب منطقوی است که کشور و مردم ما سالهاست قربانی این کشمکش ها میباشند .

پاکستان با فراست فاقد صداقت انگیزی که دارد ، با نیرنگ سوپر شیطانی مصروف باجگیری از خالقان و حامیان اساسی خود میباشد تا " پروژه صلح " افغانستان را " وجه المصالحه " ساخته و از معضله کشمیر امتیازگیری نماید و به همین منظور عمران خان در ملاقات با آقای ترامپ از طرح هوایی او بخاطر میانجگری در معضله کشمیر استقبال نمود .

هندوستان بر اساس سوابق تاریخی و مصوبه سال (1994 م) پارلمان آنکشور مجموع کشمیر را شامل تمامیت ارضی خود میداند و صدراعظم هند که در فراست و موقع شناسی شهره است در مقابل با نقش ضعیف آنکشور در پروسه صلح افغانستان و مقابل با گسترش سیطره و پلان پاکستان موانع قانونی در برابر انفاذ قانون فدرال در کشمیر را ملغی ساخت که زمینه ساز حاکمیت هند بر تمام ساحه کشمیر میباشد . (این اقدام هندی ها در واقع حاوی پیام روشن به امریکا و سایر بازیگران ذیدخل در " پروژه صلح " افغانستان میباشد) .

شهباز شریف رهبر اپوزیسیون در پارلمان پاکستان دیروز گفت :

" عمران خان در ملاقات با رئیس جمهور امریکا ، کشمیر را در مقابل صلح در افغانستان معامله کرده است . این چگونه معامله ، چگونه انصاف و چگونه اندیشه است که برای تأمین صلح در افغانستان محفل با شکوه ترتیب داده شود و در کشمیر خونریزی باشد "

(قهر و غضب این آقا که يك بخش مصرف داخلی نیز دارد ، مبین این واقعیت است که ، پنجابی ها حتی با نام صلح در افغانستان حساسیت دارند) .

بدینترتیب و با چنین اظهارات در راستای " گره زدن " معضله کشمیر با موضوع افغانستان ، یکبار دیگر پاکستان با پلانهای سوپر شیطانی میخواهد که زیر نام " پروژه صلح " بخاطر تثبیت سیطره خود در افغانستان ، جنگها را در کشور ما ، تشدید و حملات انتحاری را زیاد ساخته و همزمان از معضله کشمیر امتیازات " خاص " بدست آورند .

در چنین احوال ناهنجار و ابعاد بسیار پیچیده جنگ و صلح افغانستان ، مردم مظلوم ما ، قربانی اصلی این بازیهای شیطانی میباشند . معضله کشمیر برای تمام گروه های تکفیری و تروریستی و منجمله طالبان بمثابة يك " داعیه اسلامی " پنداشته میشود .

مقابله با این بازیهای سوپر شیطانی پاکستان چنانچه بارها عرض نموده ام ، در پرتو فکر کلان ملی و تعریف دقیق از منافع و مصالح افغانستان ممکن خواهد گردید.

پاشنه اشیل افغانستان فقدان دولت ملی مقتدر قانون سالار و عدالت گستر و موجودیت یک اقلیت منفور تاجران دین ، تیکه داران جهاد ، دکانداران قوم و جلابان سیاسی است که در خدمت جیوپولوتیک اجانب قرار دارند و با منافع و مصالح کشور بیگانه اند .

جنگ زدن به منافع و مصالح علیای افغانستان و نه خزیدن در چنبره جیوپولوتیک اجانب ، ما را آماده میسازد تا مدافع مردم و وطن خود باشیم .

با حرمت